

سبک شناسی عکاسی

تولد و تحول سبک در عکاسی

شیماء ابدی

فهرست مطالب

۱۰	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۲	سخن نگارنده
۱۷	هنر
۱۸	فلسفه هنر
۱۸	ریشه‌شناسی واژه هنر
۱۹	ماهیت هنر
۲۰	تعریف هنر از دیدگاه فیلسوفان اسلامی
۲۲	آیا هنر قابل تعریف است؟
۲۳	فلسفه نقد هنری
۲۳	ارزش آثار هنری
۲۴	معرفی سبک‌ها و مکاتب هنری
۲۵	انواع سبک‌شناسی
۲۹	کلاسیسم
۳۰	پیشینه سبک کلاسیسم
۳۱	ویژگی سبک کلاسیسم
۳۴	هدف سبک کلاسیسم
۳۷	رومانتیسم
۳۸	پیشینه سبک رمانتیسم
۳۹	ویژگی سبک رمانتیسم
۴۰	هدف از تشکیل سبک رمانتیسم
۴۳	سمبولیسم
۴۴	پیشینه سبک سمبولیسم
۴۴	ویژگی سبک سمبولیسم

فلسفه هنر

یکی از اقسام فلسفه‌های مضاف فلسفه هنر است. فلسفه هنر به تبیین چیستی هنر و مبانی نظری و فلسفی آن می‌پردازد. گاهی از این مبانی نظری با عنوان مبانی متافیزیکی و مابعدالطبیعی هنر اسم برده می‌شود. باید توجه داشت که در این کاربرد متافیزیک یا «مابعدالطبیعه» به معنای عام به کار رفته و معادل «الاهیات» نیست. اساسی‌ترین پرسش‌ها در فلسفه هنر عبارت‌اند از: هنر چیست؟ ویژگی ذاتی هنر که در همه هنرها محفوظ و ثابت است کدام است؟ منشأ هنر چیست؟ غایت و هدف هنر چیست؟ مصادیق هنر کدام‌اند؟ کارکردهای هنر برای شخص هنرمند و مخاطب‌ها چیست؟ کاربردهای هنر چیست؟ آیا هنر می‌تواند معرفت‌زایا معرفت‌افزا باشد یا خیر؟ همچنین می‌توان گفت فلسفه هنر به تبیین مبادی و مبانی غیرهنری هنر یا مبانی تئوریک و فلسفی هنر می‌پردازد؟

ریشه‌شناسی واژه هنر

واژه «هنر» در زبان‌های اروپایی به یونانی «تِخْنِه»، «آرتوس و آرتیس»، و «آرس»؛ به فرانسه «آر»؛ به انگلیسی «آرت»؛ و به آلمانی «کونست» گفته می‌شود که از ریشه هندواروپایی ar به معنای ساختن و به هم پیوستن و درست کردن آمده است. این الفاظ در تاریخ گذشته اروپا فقط برای هنرهای خاص به کار نمی‌رفته بلکه در معنای فضیلت نیز به کار می‌رفته است. هرچند بیشترین کاربرد آن در فرهنگ یونانی در اصطلاح هنرهای هفتگانه یونان و در قرون وسطی در اصطلاح هنرهای آزاد بوده است که هنرهای فکری بوده‌اند.

اصل و ریشه هنر در زبان فارسی به سنسکریت بازمی‌گردد و با لفظ «سونر» و «سونره» که در اوستایی و پهلوی به صورت «هونر» و «هونره» (سو = هو به فارسی به معنای نیک و خوب و نر و نره به فارسی به معنای مردی و زنی و در کل به معنای نیک‌مردی و نیک‌زنی) هم‌ریشه است. در زبان فارسی قدیم نیز چهار هنرآن به معنای فضایل چهارگانه شجاعت، عدالت، عفت، و حکمت (به معنای فرزادگی) آمده است. واژه هنر در قلمرو زبان فارسی در طول تاریخ معانی متنوع داشته از جمله به

معنای کمالات، فضایل، حسنات، برتری‌ها، صفات نیک، توانایی، قابلیت‌ها، توانمندی، قدرت، صنعت، حرفه، کسب، و خطر و تهدید به کار رفته است.

ماهیت هنر

مفهوم هنر از جمله مفاهیمی است که در طول تاریخ اندیشه‌ده‌ها بلکه صدها تعریف برای آن ارائه شده در حالی که هنوز هم عقیده بر این است که تعریف تام و تمام برای هنر عرضه نشده است. مفهوم هنر از این حیث با مفاهیمی از قبیل «دین و فرهنگ» و... شباهت دارد. از این رو در بیان ماهیت هنر نباید به دنبال جنس و فصل حقیقی و حد تام گشت، بلکه باید به تعریفی بسنده و قناعت کرد که تا حدودی جامع افراد و مانع اغیار باشد. چنان که می‌دانیم، در تعاریف منطقی به دنبال ویژگی‌های ذاتی معرّف می‌گردند. تعیین اینکه ویژگی ذاتی هنر که در همه آثار هنری موجود باشد چیست از محوری‌ترین مباحث فلسفه هنر در محافل علمی است. از دیدگاه افلاطون ویژگی ذاتی در هنر تقلید است. ميسوط این نظریه در کتاب دهم جمهور افلاطون آمده است.^۱ به عبارت دیگر تقلید اساس و بنیاد هنر را تشکیل می‌دهد. از این رو در هر اثر هنری و در همه اقسام هنرها تقلید به چشم می‌خورد. برای مثال نقاش یا از طبیعت تقلید می‌کند و تصویر و شکل يك اسب یا يك منظره طبیعی مانند کوه و جنگل را می‌کشد یا از مصنوعات انسانی تقلید می‌کند و مثلاً ساختمان یا میز و غیره را به تصویر می‌کشد. مجسمه‌ساز مقلد است چون شکل انسان یا حیوانی را در قالب مواد فلزی یا چوبی به تصویر می‌کشد. همین طور به عقیده افلاطون هنر شعر و شاعری نیز نوعی تقلید است. چون شاعری مثل هومر هنرش این است که به وصف شاعرانه جنگ‌های یونان باستان می‌پردازد و سرداران بزرگ یونانی را تعریف و تمجید می‌کند یا در رثای کشته‌شدن آنها اشعار تراژیک می‌سراید، پس هومر خودش سردار و جنگاور و شجاع نیست بلکه تصویر و شکل و جلوه‌های شجاعت دیگران را به تصویر می‌کشد.

به عقیده افلاطون هنرمند گاهی دو مرحله و گاهی سه مرحله از حقیقت

۱. در کتاب دهم رساله جمهور و از همان ابتدا افلاطون به بحث درباره عدم سازگاری فلسفه و شعر می‌پردازد.